

اسلام دين ترور نيست!



مہتمم و دیزاین : الحاج سليم عابد « پيمان »

۱۳۹۵



تتبع و نگارش :

الحاج امين الدين « سعیدی - سعید اشغاني »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیک افغان
و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

اسلام دین ترور نیست!

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام دین ترور نیست!

اگر ارشادات قرآنی، و هدایات و دساتیر پیامبر بزرگ وار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بطور دقیق، همه جانبه، بیطرفانه و منصفانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، بوضاحت تام در خواهیم یافت که دین اسلام دین صلح و دین رحمت بوده، و در هیچ زمانی دین تروریست نبوده و نخواهد بود.

پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم برای گسترش صلح، آرامش و رحمت مبعوث گردیده است. طبیعتاً دینی که اساس آن رحمت باشد، پیامبر آن نیز باید پیام آور رحمت و صلح باشد. «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (سوره انبیاء: ۱۰۷) (وما تورا جزء مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم).

همچنان پیامبر اسلام محمد صلی اله علیه وسلم در این مورد می فرماید: (و أنا نبی الرحمة) (ترمذی، ۲۰۶) و (انما انا رحمة مهداة) (ابن کثیر: ۳ / ۲۲۱).

در روایات اسلامی آمده است بعد از اینکه مسلمانان به فتح عظیم - فتح مکه - نایل گردیدند. و مسلمانان جوقه جوقه وارد شهر مکه میگردیدند یکی از صحابه کرام (سعد بن عباده) که بیرق فتح را بدست داشت شعار میداد: (الیوم یوم الملحمة ...) (امروز روز شفقت و بخشش است).

همچنان در تاریخ اسلام آمده است: که صحابه کرام بعد از همه تجاوزات و اهانت های که مشرکان مکه علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش، روا داشتند. به نزد پیامبر اسلام عرض داشتند: یا رسول الله! در حق این قوم نفرین بفریست تا از شر آن نجات یابیم. ولی پیامبر اسلام در جواب صحابه کرام فرمود: « انی لم ابعث لعاناً و انما بعثت رحمة » (ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم: ۳ / ۲۱۱) (برای نفرین کردن فرستاده نشده ام بلکه برای رحمت فرستاده شده ام). واقعاً هم روش پیامبر اسلام، روش عفو و گذشت روش رحمت و مرحمت بود.

عسقلانی در کتاب خویش فتح الباری روایتی دارد: میگویند محمد صلی الله علیه وسلم به قاتل کاکا ی خویش سید الشهداء همزه که در جنگ احد توسط (غلام حبشی) به شهادت رسانیده شد، و سینه مبارک اش توسط این غلام حبشی پاره و توسط هنده به دندان پاره شد و برخورد وحشیانه و غیر انسانی صورت گرفت. این عمل سبب تأثر شدید تمام مسلمانان و شخص آنحضرت محمد صلی الله علیه وسلم گردید. اما زمانیکه فتح مکه صورت گرفت و این قاتل حضرت همزه (سیدالشهدا) را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر کردند، پیامبر اسلام به همین قاتل کاکا ی خویش و اولین سپهسالار اسلام فقط همین قدر میگوید: (از پیش چشمانم دور شو که ترا نبینم). روایات وجود دارد که همین قاتل حضرت همزه تا آخر در مکه به امن و آمان زندگی میکرد. این است نمونه ترحم و این است نمونه شفقت اسلامی (الله اکبر).

پایه و ستون شریعت اسلام را صلح، رحمت و عدم خشونت، تشکیل میدهد. قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر اسلام بر اصل صلح و رفتار مسالمت آمیز تأکید نموده و همه هدایات اش بر این اصل نیز استوار میباشد.

اسلام دین ترور نیست!

قرآن عظیم الشان اعراب جاهلیت را که با جنگ و خون ریزی عادت کرده بودند، در اولین پیام خویش آنان را به صلح دعوت نموده و خطاب به آنان می فرماید: « **وإن جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله** » (سوره انفال: ۶۱) (چنان چه برای صلح آغوش گشودند، تو نیز برای صلح آغوش بگشای).

دین اسلام حتی در میدان جنگ و نبرد هم خواهان صلح و آشتی است: « **ولا تقولوا لمن ألقى إليكم السلم لست مؤمناً** » (سوره نساء: ۹۴) (به آن که با شما از در آشتی و تسلیم در آید مگویید که بی ایمان است). مفسرین بر این عقیده اند که: اگر کسیکه با مسلمانان در حال نبرد، اقدامی صلح جویانه بکند، بر مسلمانان واجب است تا در مقابل آن به جواب مثبت پردازد و از جنگ دست بردارد. (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن: ۱۴۰۵ / ۵ / ۳۳۶ والشوکانی فتح القدير: ۱ / ۵۰۱۱۴).

داستان هابیل و قابیل در قرآن عظیم الشان یکی از نمونه عالی صلح و آشتی در دین مقدس اسلام بشمار میرود. زمانیکه قابیل برادر خویش را تهدید به مرگ کرد، هابیل در جواب اش پیام آشتی و صلح را در پیش گرفت: « **لئن بسطت إلي يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك إني أخاف الله رب العالمين** » (سوره مائده: ۲۸) (اگر تو دست به گشتن من بزنی من دست به گشتن تو نمی زنم. من از پروردگار جهانیان می ترسم).

سلام (صلح) یکی از نام های پروردگار میباشد: « **هو الله الذي لا اله هو الملك القدس السلام...** » (سوره الحشر: ۲۳) (اوست خداوندی که خدایی جز او نیست، فرمانروای قدوس سلام ...)

قرآن عظیم الشان یک هزار و چهارصد سال قبل شعار صلح جهانی را بری عالم بشریت مژده داده و می فرماید: « **يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان ...** » (سوره بقره: ۲۸) (ای کسانی که ایمان آوردید همگی در صلح در آید و از پیروی راه شیطان پرهیزید ...)

قرآن کریم التزام مسلمانان را به صلح و امنیت با زیبایی خاص خویش چنین بیان میدارد: « **فان اعتزلواكم فلم يقاتلواكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سبيل** » (و قتیکه از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته باشند و بخواهند از در آشتی با شما پیش آیند. خداوند راهی را برای شما علیه آنان قرار نداده است) (سوره نساء: ۹۰). بر این اساس و حکمت است آیاتی که دلالت بر صلح و آشتی را دارد. نسخ نشده است و جنگ و مبارزه زمانی رواست که صلح خواهی وجود نداشته باشد.

اصطلاح (سلام) (صلح) و مشتقات آن در پیش از یک صد آیه از قرآن عظیم الشان بکار رفته است. و بالعکس اصطلاح (جنگ یا حرب) و مشتقات آن به جز در شش آیه از قرآن کریم تذکر یافته است. (الترمذی، بخش الشمائل المحمدیه)

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از جمله اولین شخصیتی در عالم بشریت است که به دیپلوماسی واقعی صلح جویانه اقدام بعمل می آورد، سفیران و هیات های سیاسی و دیپلوماتیک خویش را برای تاسیس و برقراری روابط مسالمت آمیز نزد دولت ها و امپراتوری زمان خویش گسیل داشته است. که از جمله میتوان از ارسال نامه های صلح آمیز به پادشاهان مصر، پیزانس، حبشه، فارس و غیره ... نام برد.

اسلام دین ترور نیست!

« سلام » مشتق از « سلم » ، (سلام) است اصطلاح (السلام علیکم ورحمة وبرکاته) و (علیکم السلام ورحمة وبرکاته) کلمات است که روزانه به میلیون ها مسلمان از طی قلب آن را بزبان جاری می سازد .

که در این اصطلاحات عالترین مفاهیم صلح و دوستی محبت و اشتی نهفته است . همچنان توجه نموده باشید که مسلمانان زمانیکه نام پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و یا نام سایر پیامبران بزبان آورده میشود عبارت (علیه السلام) حتماً در جنب آن اضافه میشود .

مسلمانان همه روزه نماز های پنج گانه خویش را به عالترین شعار صلح ، دوستی ، محبت و رحمت به شعار : (السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته) به پایان میرسانند . مؤرخین مینویسند که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم قبل از هجرت زمانیکه در مکه زندگی میکرد هیچ وخت به عملیات نظامی و امور حربی مشغول نشده بود . ولی زمانیکه به مدینه منوره مجبور به هجرت شد ، و در آن دیار باز هم مسلمانان مورد آزار و تجاوز قرار متعدد و غیر انسانی قرار گرفتند ، جهاد بر مسلمانان فرض گردید ، همان بود که مسلمانان بخاطر دفاع از خود ، بخاطر دفاع از دین و عقاید خویش ، بخار دفاع از نوامیس خود و در نهایت بخاطر دفاع از حکومت و زندگی خویش ، دست به مبارزه مسلحانه و دفاعی زدند ، تجاوز را مسلمانان آغاز نه نموده ، بلکه دیگران بودند که تجاوز را بر مسلمانان تحمیل داشته بودند .

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که: پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمانیکه گروپ های حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات دفاعی اعزام میداشت اکیداً به ایشان هدایت میفرمود : « ... ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا طفلاً صغیراً ولا امرأه ولا تغلوا واصلحوا واحسنوا ان الله یحب المحسنین » (الشامي ۱۳۱۴ : ۶ / ۷)

(موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرد ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد) . این است عظمت اسلام این است زعامت عالم بشریت که همه فرمود هایش بر مفاهیم صلح ، مرحمت ، و عطف استور بوده و پیروان خویش را به امر مقدس صلح دعوت نموده است . و تهمت های قتل ، ترور از جمله شعار های است که دشمنان اسلام به منظور لکدار شدن اسلام به آن دامن میزنند .

همه مفسران ، دانشمندان و فقهای اسلام بر این باور و عقیده اند که اصل در روابط مسلمانان با دیگران بر صلح و مرحمت مبتنی است ، و جنگ یک وضعیت عارضی است که بر دفع تجاوز و پشتیبانی از دعوت اسلامی ضرورت می یابد و در آن سیطره و غلبه بر دیگران جایی ندارد .

از ابن تیمیه (رحمة علیه) نقل شده است که می فرماید : (جنگ با آنانی رواست که با ما بر سر عمل کردن به دین می جنگند) اسلام با آنانی که خواهان صلح اند ، صلح می کند ، دین اسلام سر جنگ را ندارد ولی با کسانی که با مسلمان وارد جنگ شوند و یا مانع دعوت مسلمانان گردد به آنان به مبارزه بر می خیزد . جهاد با حجت و بیان با توسل به زور مقدم است .

محمد عبده می گوید : (خداوند جنگ را برای خون ریزی و گرفتن جان دیگران یا توسعه

اسلام دين ترور نيست!

نفوذ بر ما واجب نگردانیده ، بلکه جنگ را برای دفاع از حق و پیروان آن و حمایت از دعوت واجب کرده است.

مصطفی السباعي می گوید : (اصل در روابط ما با همه ملیت ها بر صلح ، ترك مخاصمه و جنگ و احترام عقاید ، آزادي ها ، اموال و ارزش ها ديگر ملل قرار دارد .) (القاسمي ، ظافر ، الجهاد والحقوق الدوليه في الاسلام چاپ بيروت ، ۱۹۸۲ : ۱۸۷ و ۳۰۹)

عباس عقاد يکي از مشهور ترين دانشمندان و نويسندگان مصري کتا بي در رد افتراءات عليه اسلام تحت عنوان (حقائق الاسلام و آبا طيل خصومه) تدوين داشته است . نويسنده در بخش از کتاب خویش: در باره نسبت دادن شمشير با اسلام مينويسد (تاريخ دعوت اسلامي به اثبات رسانيده است : که مسلمانان پيش از آن که قادر باشند آزار و شکنجه مشرکان را از سر راه خویش درو نمايند ، خود قرباني خشونت ها و شکنجه مشرکان قرار گرفتند . از خانه و کاشانه خویش بيرون رانده شدند و راه حبشه را در پيش گرفتند و در نهايت به آن سر زمين پناه بردند . مسلمانان هيچ گاه به زور متوسل نشدند مگر در برابر زور که منطوق نمي پذيرد . هر گاه به مسلمانان تعرض نشود ، از آنان بدني سر نزده است ، بر خورد مسلمانان با دولت حبشه مابين چنين واقعيت است . در جزيره العرب جنگي ميان مسلمانان و قبائل عرب در نگرفت جز آن که ما هيت دفاعي داشت يا هدفی پيشگيرانه دربين بود . حق شمشير برابر با حق زندگي است . هر جا اسلام دست گرفتن شمشير را لازم دانسته است از باب اضطرار و براي حق در زندگي بوده است . حق زندگي در اسلام يعني حق آزادي در دعوت و عقیده اگر به نقشه فعلي جهان نظر به اندازيم در خواهيم يافت که شمشير جز در اندک مواردی موجب نفوذ اسلام در جهان نشده است . سر ز مين هاي که جنگ در آن کمتر روي داده است بيشترين باشند کان شان مسلمان اند . که نمونه بارزي آن کشور هاي چون اندونيزيا ، هند وچين ... و غيره ميتوان نام برد .

بر اين اساس ، طبق حقوق اساسي اسلام ، رابطه ميان ملتها بر روابط مسالمت اميز مبتني است و توسل به جنگ در اسلام به واقع دفاع در برابر جنگي است که آتش آن را ديگران روشن ساخته اند . اسلام در مفهوم کلي از دو کلمه : (دين و صلح) تر کيب يافته است . (العقاد ، عباس محمد ، حقايق الاسلام و اباطيل خصومه ، ۱۹۶۶ : ۳۰۰ - ۳۰۹) داکتر زحيلي می گوید:

جنگ با ملل غير مسلمان که با مسلمانان دشمني ندارند و آنان را در عمل به دينشان آزاد می گذارند روانيست و نبايد روابط مسالمت اميز با آنان را قطع کرد ، زيرا اصل بر صلح است . (الزحيلي ، وهبة العلاقات الدوليه في الاسلام مقارنة با لقانون الدولي الحديث ۱۹۹۷ : ۱۰۲) .

بنابر اين گفته کسانی را که گویا: شريعت اسلامي در اغلب موارد ، شريعتي مبتني بر جنگ و شمشير است ، بر داشتهي بي اساس بوده و به هيچ صورت با مفهوم و محتوي دين مقدس اسلام مطابقت نداشته ، ندارد و نخواهد داشت .

مشهور ترين آيه قرآن عظيم الشان که از آن در باره جنگ ذکر بعمل آمده است : (آيه : ۲۶ سوره توبه است :) « **وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلوكم كافة واعلموا ان الله مع**

اسلام دین ترور نیست!

المتقین « در تفسیر این آیه متبرکه مفسرین مینویسند:

1 - هدف این آیه متبرکه حفظ حق حیات انسانی است. بر این اساس چنان چه دشمنان اسلام همگی قصد سلب حیات مسلمانان را پلان کنند، ضروری و لازمی و منطقی است که مسلمانان نیز به دفاع از حق خویش که حق مشروع است در برابر آنان ایستاده شوند و راه مقاومت را در پیش گیرند. و طوریکه به همه معلوم است که چنین دفاعی با فطرت انسانی نیز سازگار است.

2 - در آیه متبرکه آمده است: که چون آنان قصد جنگ با همه شما دارد، شما نیز با آنان کارزار جنگ کنید. بنابر این آنان هستند که به مسلمانان تعرض می کنند و مسلمانان نیز در جواب اقدام تجاوز کارنه دشمن با تمام توان با مقابله دعوت شده اند. در ادامه آیه متبرکه که از کمک و یاری پروردگار با اهل تقوا یادی بعمل آمده است، خود مبین رعایت اصول انسانی در جنگ است. (توضیح بیشتری موضوع را در تفسیر کبیر و تفسیر طباطبایی: ۲/ ۶۵ - ۶۸ و ۲۷/۹ میتوانید با جزئیات بیشتر مورد مطالعه قرار دهید.)

غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم:

اگر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم بطور دقیق مورد تحلیل و مطالعه قرار گیرد در خواهیم یافت که همه غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم ما هیت دفاعی داشته و با اصل اصول صلح و مرحمت سازگار است.

غزوات اسلام به هدف اجبار مردم برای پذیرفتن دین جدید نبوده، زیرا دین در ما هیت خود اجبار را نمی پذیرد. همه در گیر های که در عصر رسالت صورت گرفته مقاومت بوده و هر کدام آن بر حسب شرایط و اقتضای خاص، هر در گیری به هدف دفاع از هویت اسلامی صورت گرفته است.

این مشرکان بودند که محمد صلی الله علیه وسلم و یارانش را از دیار شان بیرون کردند اگر یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم را از خانه و کاشانه شان بیرون نمی راندند، و باز در مدینه علیه شان جنگ و تجاوز را روا نمی داشتند به هیچ صورت جنگی صورت نمی پذیرفت. ولی همین مشرکین مکه بودند که علیه مسلمانان در مدینه هجوم را براه انداختند و میخواستند پایتخت مسلمانان را در مدینه در براه انداختن جنگ های احد و احزاب نابود کنند. ولی سایر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم که نام جنگ به ایشان گذاشته شده است، جنگ نبوده بلکه حالات دفاعی بخود داشت و تقریباً میتوان آنرا شبیه جنگ مسمی ساخت تا جنگ به مفهوم واقعی آن.

ما میتوانیم از روابط حسنه و مسالمت آمیز مسلمانان و دولت اسلامی شان با دولت حبشه در صدر اسلام یا آوری نمود.

علماء مینویسند (مسلمانان زمانی متوسل به زور شدند که دیگران با توسل زور مانع استقلال و آزادی آنان در عمل به دینشان شدند.) (العقاد عباس محمد، حقایق اسلام و ابا طیل خصومه، ۱۹۹۶: ۳۰۰ - ۳۰۵)

مفهوم جهاد در اسلام:

در این اواخر در وسایل اطلاعات جمعی جهان با آغاز سبک واهنگ جدید سوالاتی را مطرح میدارند و چنان تحلیل های را به سمع جهانیان، بدین عنوان میرسانند که: جهاد

اسلام دین ترور نیست!

را در جنگ مسلحانه خلاصه میکنند. حتی در قاموس های معتبر جهان به معنای جنگ مسلحانه خلاصه شده. در حالیکه جهاد انواع مختلف دارد و یک نوع آن مجادله مسلحانه است. جهاد به نفس، جهاد تنویری و آموزی خود و دیگران جهاد برای تفهیم و عام ساختن حق و

بلی باید گفت و تاکید کرد که جهاد را که دین مقدس اسلام بدان تاکید میدارد هدف از جهاد مجادله و تلاش بی حد برای خیر و راه درست است. **تأمین امنیت و تضمین حاکمیت و استقلال و دفاع از امت اسلامی است.**

جهاد برای استقرار صلح و حمایت از ادیان آسمانی فرض گردیده است. قرآن عظیم الشان این مطلب را با زیبایی خاص آن چنین تعریف مینماید:

(ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز) (سوره حج : ٤٠) (واگر خداوند بعضی از مردم را به دست بعضی دیگر دفع نمی کرد ، هم صومعه ها راهبان وهم معابد (مسیحسان) وهم عبادتگاه های (یهودیان) وهم مساجد (مسلمانان) که نام خداوند در آنها بسیار یاد می شود، ویران می گردید ، و خداوند توانای پیروزمند است). جهاد هیچ گاه مفهوم جنگی دینی برای وادار کردن دیگران برای پذیرش دین اسلام نداشته و ندارد . چنین برداشتی به ماهیت ، روح و جوهر دین مقدس اسلام و روح هدایات قرآن عظیم الشان (لا اكره في الدين) که برای آزادی عقیده اعلان شده است ناسازگار و در تضاد میباشد . (القاسمی ۱۹۸۲ : ۱۸۸)

در تاریخ زندگی پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دیده نشده که يك مسیحي را به این دلیل که اسلام را قبول نکرده است به قتل رسانده باشد . بلکه با لعکس پیامبر اسلام با مسیحسان نجران با اکرام برخورد کرده است وحتی برای آنان اجازه داده است تا در مساجد مسلمانان به عبادت خویش بپردازند.

مؤرخین بهترین دوران را مرحله دوساله صلح حدیبیه ، صلح که بین مسلمانان وقریش صورت گرفت یاد می نمایند . در این دوسال تعداد زیادی از مردم به دین اسلام مشرف شدند که تعدادشان بیش از تعداد کسانی است که قریب بیست سال از آغاز اسلام تا زمان عقد این پیمان مسلمان شده بودند . (الاسلام و منطق القوة : نویسنده فضل الله ۱۹۸۱ : ۲۱۱) .

چنانچه گفته آمدیم يك بار دیگر با قاطعیت تام حکم میکنم که روابط میان جهان اسلام با غیر مسلمان بر اصل متین صلح مبتنی بوده . که در صورت تعرض نظامی به سر زمین اسلامی در قالب حق دفاع مشروع و قانونی توجیه میشود . و دفاع مشروع نیز حقی است که در حقوق بین الملل هم پذیرفته شده است . و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز بدان تصریح نموده است.

همچنان اگر دین اسلام را دین کامل بدانیم منطقی است که در جنب مجموع مقررات اخلاقی و قواعد مورد نیاز زندگی ، به قواعد جنگی و صلح و روابط خارجی نیز پرداخته است ، زیرا در زندگی بشر از جنگ و صلح خلاصی نیست . مگر موجودیت چنین قواعد و مقرراتی در يك نظام حقوقی نمی تواند دلیلی بر دائمی بودن يك وضعیت در آن نظام دانست و چنین نتیجه گرفت که چون در اسلام جهاد فرض گردیده است پس مسلمانان

اسلام دين ترور نيست!

همواره در جنگ دائمي با غير مسلمانان به سر مي برند. همچنان قابل تذكر است كه آيا اديان ديگر هميشه در صلح زندگي كرده اند و هر گز دست به جنگ نزده اند؟ مگر در تاريخ مسيحيت جنگ متعددي براي مسيحي كردن ديگران صورت نگرفته است؟ آيا ميتوان جنگ هايي را كه مسيحيان براه انداخته اند به حساب دين حضرت عيسي عليه السلام كه بحيث دين صلح ياد ميگردد حساب كرد؟ بلي آناني كه ميگويند كه اسلام دين شمشير است. اگر هدف شان از دين شمشير آن باشد كه اين دين جهاد و بخصوص جهاد نظامي را بر پيروان خويش فرض گرداننده است و مفهوم جهاد را وسيعتر از جنگ با شمشير ميدانند در آن صورت سخن بجا ء گفته اند. ولي اگر هدف شان اين باشد كه دين اسلام به زور شمشير منتشر شده است در اشتباه اند، زيرا دين اسلام دين عقل و منطق، دين صلح، ترحم، گذشت و شفقت است. دين اسلام از راه عقل و منطق جهانشمول شده است.

دين اسلام پيروان خويش را هميشه به استدلال، منطق و برهان دعوت نموده ميفرمايد: (أدع الي سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن) (به راه پروردگارت با حكمت و پند هاي حسنه فراخوان، و با آنان به طريق و شيوه اي كه بهتر است مجادله و مقابله كن) (نحل: ۱۲۵)

مسلمان كردن ديگران را به زور و جبر نمي توان دعوت مشرع بحساب آورد. داخل شدن دين به زور شمشير در دل كسي ممكن نيست.

دعوت اسلام هيچگاه از روش مسالمت آميز خويش كه پيروي از رويه احسن كه قرآن عظيم الشان و سنت پيامبر صلي الله عليه وسلم بدان تاكيد ورزيده است و براي پيروان خويش بدان امر نموده است، دور نخواهد شد.

دين اسلام دين اعتقاد و باور قلبي است كه با اراده و اختيار بايد آنرا پذيرفت نه با قهر و غلبه و شمشير دعوت اسلام منحصر به زبان نيست، بلكه در عمل بايد نشان داد كه دين اسلام دين صلح، صفا، دين رحمت و مرحمت است.

بلي اسلام داراي شمشير است ولي براي دفاع و رفع موانع مشروع و داخل چوكات و اصول اسلامي، انساني، دفاعي مراعات ديگر اصول قبول شده كه از بخش آن در بالا ياد آوري كردم. دفاع و اشاعه دين مابين اسلام براساس دعوت و نه براي هجوم و غلبه بر ديگران مطرح است.

دين اسلام دين تروريست نيست.

تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعیدی- سعيد افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگي د حق لاره- جرمني

ادرس: saidafghani@hotmail.com